

نگاه اصلاح طلب

از استانداری فارس تا صلح حماس



محمدابراهیم انصاری لاری

استاندار فارس در دولت خاتمی

فروردین سال۱۳۸۴ بود. من استاندار فارس بودم. همایش «اقتصاد ایران، چالش ها و فرصت‌ها» به ابتکار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در هتل های شیراز برگزار می‌شد. سفرای بسیاری از کشورها در ایران، سفرای ایران در بسیاری از کشورها، مقامات و مسئولان بلندپایه اقتصادی کشور، جمعی از فعالان اقتصادی و نیز اساتید و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد از شرکت‌کنندگان در این همایش بودند. در آیین افتتاحیه بعد از صحبت آقای تاج‌گردون که آن زمان معاون سازمان برنامه‌ویودجه و دبیر همایش بود و قبل از صحبت آقای شرکا که رئیس همایش محسوب می‌شد، نوبت به بنده رسید که میزبان همایش بودم و می‌بایست به رسم ادب و احترام به میهمانان خیرمقدم می‌گفتم. ضمن ادای این وظیفه تشریفاتی، نکته‌ای را هم طرح کردم که در نشست اول همایش و حتی نشست‌های بعدی بیشتر سخنرانان از خوددکتر شرکا گرفته تا سفیران اروپایی در ایران و سفرای ما در آن کشورها و به‌ویژه سفیر ایران در ژاپن و حتی اساتید بنام حوزه اقتصاد، ابتدا به نکته‌ای که من طرح کرده بودم ارجاع می‌دادند و سپس مطالب خودشان را ارائه می‌کردند. و اما آن نکته. گفتم: تا ایران جایگاه خود را در پازل جهان به‌شدت روبه‌تغییر امروز و آینده به‌درستی و بر مدار خرد و منطق ترسیم نکنند، نه‌تنها اقتصاد ایران بلکه همه ایران با همه دنیا دچار چالش‌های هردم‌افزا خواهد شد و فرصت‌های موجود نیز یکی پس از دیگری از دست خواهند رفت. به‌عنوان نمونه از رفتار برخی افراطیون ایران و حمایت غلوآمیز از فلسطین که لامحاله به غر‌بستیزی افراطی نیز منجر می‌شود، اشاره کردم و آن را مهم‌ترین عامل چالش‌برانگیز بین‌المللی برای ایران دانستم و نتیجه نهایی این ابرچالش را با نقل حکایتی از سعدی شیرازی به تمثیل کشیدم که: «شخصی همه شب بر سر بیمار گریست، چون صبح برآمد، آن شخص پمرد و بیمار بزیست»، و البته دیر هنگام شب طی تماس تلفنی که برادر عزیز جناب علی آقای خاتمی داشتند، از قول آقای رئیس‌جمهور مراتب و تذکر سرزنش‌الودی را از طرح چنین مطالبی را به بنده اعلام و تفهیم کردند که بهتر است به جای این حرف‌ها به فکر آبرسانی و برق‌کشی به روستاهای محروم فارس باشیم که از حق‌نگذیریم تذکر بجا و درستی هم بود...

 ملاقات جان کری، عباس و پادشاه اردن - ۲۰۱۵

در این سال محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، معاهده پیوستن به دادگاه لاهه و چند نهاد بین‌المللی دیگر را امضاء کرد که باعث خشم اسرائیلی‌ها شد. رژیم صهیونیستی هم در پاسخ به این اقدام، ۱۲۷ میلیون دلار از مالیات فلسطینی‌ها را بلوکه کرد که می‌توانست خیلی زود تشکیلات خودگردان را با بحران مالی روبه‌رو کند. در ماه مارس ۲۰۱۵، کنفرانس بین‌المللی سرمایه‌گذاری اقتصادی در شرم‌الشیخ برگزار می‌شد. در حاشیه این کنفرانس، جان کری وزیر خارجه آمریکا که به مصر سفر کرده بود، دیداری سه‌جانبه با عباس و عبدالله دوم، پادشاه اردن داشت. آن زمان یک مقام دیپلماتیک آمریکایی ضمن اعلام این خبر به اسکای‌نیوز، گفته بود: «آمریکا نسبت به بحران مالی تشکیلات خودگردان فلسطین نگران است.»

 اجلاس پنج‌جانبه ۲۰۲۳

ماه مارس ۲۰۲۳ (اسفندماه ۱۴۰۱) بار دیگر نام شرم‌الشیخ در اخبار مربوط به فلسطین شنیده شد. قرار بود اجلاسی پنج‌جانبه با حضور نمایندگان اسرائیل، آمریکا، اردن، مصر، آمریکا و تشکیلات خودگردان در این شهر برگزار شود. برگزارای ایرنا آن زمان در تحلیلی راجع به این اجلاس نوشت: «احزاب و گروه‌های فلسطینی اما نسبت به اهداف و چشم‌انداز این نشست با شک و تردید می‌نگردن و آن را بیش از منافع فلسطین، در راستای منافع رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌کنند؛ نشستی که در وهله نخست هویت اسلامی و عربی شرکت‌کنندگان را نشانده‌فته است. از این رو شاهد مواضع انتقادی برخی از اعضای حماس و جهاد اسلامی هستیم که «موسی ابومرزوق» رئیس دفتر روابط بین‌المللی حماس و «الخالد البطش» از رهبران جهاد اسلامی در این جرگه قرار دارند. ابومرزوق، رئیس دفتر روابط بین‌المللی حماس خاطر‌نشان کرد: «این جنبش با نشست شرم‌الشیخ مخالف است. گزینه این جنبش، تشدید مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است» و البطش از رهبران جهاد اسلامی هم هشدار داد: نشست شرم‌الشیخ تلاشی از سوی آمریکا برای رفع انزوای کابینه نتانیاهو است. از نگاه آنها، مشارکت تشکیلات خودگردان در نشست شرم‌الشیخ، بی‌توجهی به اراده و آراءمان‌های مردم فلسطین، زیر پا گذاشتن اجماع ملی، نقض تصمیمات شورای ملی و شورای مرکزی مبنی بر به‌رسمیت‌نشناختن رژیم اسرائیل و عمل نکردن به تعهدات امنیتی و سیاسی است. یکی از عمده دلایل بدبینی فلسطینی‌ها به نشست شرم‌الشیخ، مشاهده توافق بی‌سرانجام و بی‌نتیجه‌العقبه است؛ نشست امنیتی باهمین اعضاء که حدودیک‌ماه پیش در شهر «العقبه» در جنوب اردن برگزار شد. در نشست العقبه، بر سر توقف اقدامات یکجانبه رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین برای مدت محدود، همچنین توقف شهرک‌سازی و پروگرامی نشست دیگر در شرم‌الشیخ توافق شد. بنابراین براساس بیانیه پایانی نشست مزبور، رژیم صهیونیستی متعهد شد که بررسی ساخت شهرک‌های جدید را به‌مدت شش ماه متوقف کند. مقامات فلسطینی بر این باورند که رژیم صهیونیستی به این مفاد به‌ویژه بند مرتبط با توقف یورش‌ها به شهرهای فلسطینی عمل نکرده است و چه تضمینی وجود دارد که به توافق احتمالی در شرم‌الشیخ وفادار بماند؛ آن‌هم در شرایطی که سران تل آویو پیش از برگزاری نشست کنونی، تاکید کرده بودند که سیاست‌هایشان در قبال فلسطینی‌ها تغییر نخواهد کرد و به‌عملیات ترور ادامه خواهند داد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری نشست شرم‌الشیخ آن‌هم با اصرار و تحت فشار آمریکا، خروج اسرائیل از انزوای خودساخته‌ای است که طی چندماه گذشته با‌روی کار آمدن کابینه تندرو نتانیاهو تشدید شده است.»

سمفونی خطوط

جواد علیزاده



نگاه تحلیلگر

حالی است که روسیه یک‌میلیارد و ششصد میلیون دلار سرمایه لازم را تأمین کرده و حتی آذربایجان، تحت شدیدترین فشار تحریم‌ها، تصمیم‌نهایی درباره آن را به نشست سه‌جانبه آینده موکول کرده است؛ پروژه‌ای که از چهار سال پیش مورد توجه‌ویژه روس‌ها قرار گرفته و پوتین شخصاً نماینده ویژه‌ای را برای پیگیری آن منصوب کرده بود؛ فردی که گاه ماهی دوبار به ایران سفر می‌کرد تا بلکه گرّه از کار این پروژه بگشاید. اما چه سود؟

سنگ‌اندازی‌های مکرر نهادهای داخلی، دست‌آخر این پروژه حیاتی را به ثمر نرسانده و فرصتی طلایی که در حال از دست رفتن است، اگر بخواهیم فهرستی از پروژه‌های نیمه‌تمام و بر باد رفته در همکاری با کشور‌های مختلف تهیه کنیم، بی‌شک «مثنوی هفتاد من کاغذ» خواهد شد. در تمام این موارد، این جنگ رسانه‌ای داخلی علیه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بوده که نقش اصلی را در توقف یا شکست پروژه ایفا کرده است. از گاز ترکمنستان گرفته تا مطالبات ارزی از عراق و کره جنوبی، در بیشتر موارد ریشه مشکلات در ضعف مدیریتی، عدم هماهنگی نهادهی و بی‌تدبیری‌های داخلی بوده است. برای نمونه، در ماجرای قطع گاز ترکمنستان، رسانه‌ها بلافاصله این اقدام را به فشارهای خارجی نسبت دادند؛ در حالی که ایران نزدیک به دو میلیارد دلار بدهی گازی به این کشور داشت. در کجای این کره خاکی، کشوری حاضر است به‌بدهکار خود بدون دریافت وجه، گاز بفروشد؟ در مورد عراق نیز، مشکل اصلی نه تحریم‌های آمریکا، بلکه عدم هماهنگی فاجعه‌بار میان وزارت کشاورزی، بانک مرکزی و شرکت ملی گاز است که مانع استفاده از پول‌های بلوکه‌شده می‌شود و اما پرورنده ۷ میلیارد دلار دارایی ایران در کره جنوبی که به قطر منتقل شد؛ منابعی که بخش قابل توجهی از آن بدون استفاده و حتی یک میلیارد دلار از آن گم شد! این در حالی است که می‌شد از همین منابع برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک که از تحریم‌ها معاف هستند، بهره برد و آینده‌ای روشن‌تر برای کشور رقم زد. از سوی دیگر، قرارداد گریست، که می‌توانست منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی بی‌شماری برای ایران به ارمغان می‌آورد، بیش از بیست سال است به‌دلیل اختلافات و کارشکنی‌های داخلی معطل مانده و گاز گران‌بهای آن در ربا می‌سوزد. این تراژدی، نمادی از غارت منابع ملی در سایه بی‌تدبیری و منازعات داخلی است. در حالی که جهان امروز درگیر جنگ بی‌رحمانه اقتصادی میان قدرت‌هاست - از جدال آمریکا و چین گرفته تا اختلافات انرژی میان اروپا و آمریکا- در ایران، همچنان سیاست خارجی تابع جناح‌بندی‌های داخلی و بازی‌های حقیر سیاسی است. حتی کشور‌های اروپایی در اوج جنگ اوکراین، برای حفظ استقلال خود همچنان از روسیه انرژی می‌خرند، در حالی که مادر داخل کشور، هر روز به یکی از قدرت‌ها می‌تازیم. تا زمانی که ساده‌انگاری و هیجان سیاسی جایگزین عقلانیت و منافع ملی باشد، سیاست خارجی ایران بر همین مدار ویرانگر خواهد چرخید. بازگشت به منطق تعامل، پرهیز از نگاه سیاه و سفید و توهم توطئه، و هم‌افزایی در تصمیمات کلان میان دستگاه‌های مسئول، تنها راه‌راهی از این چرخه پرهزینه‌انه است. ملت ایران بیش از این طاعت پرداخت بهای سوءمدیریت‌ها و منازعات داخلی را ندارد.

هزینه‌هایی که می‌پردازیم

در نقد آشفته‌گی سیاست خارجی

سیدعلی حسینی

تحلیلگر سیاست خارجی

سیاست خارجی ایران، این آونگ سرگردان میان افراط و تفریط، سال‌هاست که در گرداب تلاطم و بی‌ثباتی غرق شده است. نه‌تنها قطب‌نمای راهبردی آن از کار افتاده، بلکه اختلافات جناحی و رقابت‌های تنگ‌نظرانه داخلی، سایه سیاهی بر افق روشن منافع ملی افکنده است. آنچه باید در خدمت توسعه اقتصادی و گشایش‌های بین‌المللی باشد، امروز به ابزاری برای تسویه‌حساب‌های سیاسی تبدیل شده و تصمیمات کلان کشور را به وادی تناقض و تعارض کشانده است. این سرگردانی نه‌تنها فرصت‌های بی‌شماری را سوزانده، بلکه ملت ایران بهای سنگینی بابت این بی‌تدبیری‌ها و توهمات پرداخته است. یکی از ریشه‌های عمیق این بحران، نگاهی پارانویایی و توهم‌آمیز به جامعه جهانی است. گویی در مخیله بسیاری از متولیان امر، جهان به تاتاری بدل شده که در آن همه کشور‌ها در توطئه‌ای بزرگ علیه ایران همدستان اند و هر نوع همکاری با توافق، دسیسه‌ای برای ضربه‌زدن به کشور است. این ذهنیت بیمارگونه، راه هرگونه تعامل سازنده را سد کرده و ایران را در حصار ی خودساخته گرفتار آورده است. اما آیا وقت آن نرسیده که به جای فراق‌گنی و متهم کردن دیگران به خیانت و بی‌دقتی، آینه‌ای به‌دست گیریم و نقشی را که سو‌مدیریت‌ها، بی‌کفایتی‌ها و خطاهای راهبردی داخلی در این وضعیت اسفناک ایفا کرده‌اند، به‌روشنی ببینیم؟

در ایالات متحده، با وجود شکاف عمیق میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، بسیاری از تصمیمات حیاتی در حوزه سیاست خارجی با رویکردی دو‌جریبی و فراتر از منافع جناحی اتخاذ می‌شود. کنگره، در حساس‌ترین موارد، لوایجی را با اجماع دو حزب به دولت می‌فرستد و دولت‌ها برای اقدامات بین‌المللی خود، حمایت هر دو جناح را جلب می‌کنند. اما در ایران، وضعیت کاملاً متضاد است؛ جریان‌ی ضد روسیه و گروهی دیگر ضد آمریکا و غرب، عده‌ای ضد عرب و جماعتی ضد افغانستان و هر کدام سیاست خارجی را از در پیچه تعصبات کور خود می‌بینند و تفسیر می‌کنند. این بازی خطرناک، استخوان‌بندی سیاست خارجی کشور را شکسته و آن را به سفره‌ای برای زد و بند‌های داخلی تبدیل کرده است. نمونه‌ای روشن از این نگاه احساسی و رسانه‌ای، پروژه استراتژیک راه‌آهن رشت-آستارا است.

آنجا که روزنامه معتبری با تیتیر «از بین رفتن پروژه رشت-آستارا با اجرای مکانیسم اسنپ‌بک» در تلاش بود تا توپ را به زمین حریف بیندازد، در متن گزارش به صراحت اعتراف شده بود که مشکل اصلی، نه اسنپ‌بک، بلکه تعلل و ناتوانی ایران در تملک و تحویل زمین به طرف روسی است! این در



بخش خصوصی واگذار کنیم، همراهی نمی‌کند؛ چراکه این موضوع با سیاست‌های کلی نظام نیز مغایر است.»